

یک خدمت آنلاین

در گذشته افراد برای تغییر اسم کوچک و نام خانوادگی خود باید به یکی از مراکز ثبت‌احوال کشور مراجعه و درخواست خود را به صورت حضوری ثبت می‌کردند. پس از ثبت درخواست، سازمان ثبت‌احوال کشور موظف بود که درخواست فرد را بررسی کند و نتیجه را به فرد اطلاع دهد. ولی اکنون ثبت درخواست تغییر نام در سازمان ثبت‌احوال کشور به صورت غیر حضوری انجام می‌شود. طبق قانون ثبت‌احوال، افراد تحت شرایط خاصی می‌توانند به عوض کردن اسم کوچک یا تغییر نام خانوادگی خود اقدام کنند. در حال حاضر، با توجه به غیر حضوری شدن بسیاری از فرایندهای سازمان ثبت‌احوال کشور، امکان ثبت درخواست اینترنتی تغییر نام در سازمان ثبت‌احوال وجود دارد. تمامی افرادی که قصد دارند نام خود را تغییر دهند، می‌توانند به جای مراجعه حضوری به مراکز ثبت‌احوال کشور، به سایت درخواست اینترنتی تغییر نام در سازمان ثبت‌احوال کشور مراجعه کنند و مراحل تغییر نام خود را به صورت اینترنتی انجام دهند. برای ورود به سایت درخواست اینترنتی تغییر نام در سازمان ثبت‌احوال کشور، باید ابتدا به سایت سازمان ثبت‌احوال کشور به نشانی www.sabteahval.ir مراجعه کنید و پس از ورود به این سایت، به بخش مربوط به درخواست تغییر نام در سازمان ثبت‌احوال کشور وارد شوید. پس از ثبت درخواست اینترنتی، سازمان ثبت‌احوال کشور موظف است که درخواست فرد را بررسی کند و نتیجه را به صورت اینترنتی و غیر حضوری به فرد در خواست‌کننده اطلاع دهد. خدمات اینترنتی ثبت‌احوال برای صدور شناسنامه و کارت هوشمند ملی هم فعال است.

جامعه پدیا

نسل جدید؛ از سال آینده

نسل جدید کارت ملی هنوز به مرحله توزیع عمومی نرسیده است. به گفته ژاله چیان، کارهای پژوهشی و اجرایی آن در حال انجام است و سازمان

اصل و شرح

امیدوار است از سال آینده تولید انبوه این کارت‌ها را آغاز کند. قرار است کارت جدید، فقط یک کارت شناسایی نباشد؛ بلکه بخشی از زیرساخت احراز هویت بر خط شهر وندان باشد. البته یک نکته مهم همچنان باقی است؛ حتی اگر کارت جدید صادر شود، استفاده واقعی از این فناوری به همکاری بانک‌ها،

کارت ملی جدید در راه است

۶ میلیون کارت معوق تا پایان پاییز تعیین تکلیف می‌شود

۶ میلیون نفر در صف

مشکل کارت‌های فعلی چیست؟

اما قبل از اینکه کارت‌های نسل جدید به دست مردم برسند، هنوز تکلیف میلیون‌ها کارت قدیمی باید مشخص شود. به گفته معاون نوآوری و هوشمندسازی خدمات سازمان ثبت‌احوال، حدود ۶ میلیون نفر مراحل ثبت‌نام کارت هوشمند ملی را انجام داده‌اند اما هنوز کارشان را دریافت نکرده‌اند. وعده سازمان این است که این کارت‌ها تا پایان پاییز اسامی تعیین تکلیف شوند و به دست متقاضیان برسند. این یعنی اگر برنامه سازمان طبق وعده پیش برود، قرار است پرونده صف طولانی کارت‌های معوق تا چندماه دیگر بسته شود.

مردم نگران اعتبار کارت‌های ملی نباشند

یک سؤال دیگر برای خیلی از مردم وجود دارد؛ تکلیف کارت‌هایی که تاریخ اعتبارشان تمام شده چه می‌شود؟ ژاله چیان می‌گوید مردم فعلاً نباید بابت پایان اعتبار کارت هوشمند ملی خود نگران باشند. طبق اعلام سازمان ثبت‌احوال، کارت‌های هوشمند ملی که اعتبارشان تمام شده، تا پایان اسفند ۱۴۰۵ معتبر هستند. ثبت‌احوال از دستگاه‌های اجرایی هم خواسته این موضوع را هنگام ارائه خدمات به مردم در نظر بگیرند. پس اگر تاریخ اعتبار کارت ملی‌تان گذشته، فعلاً لازم نیست نگران باشید که به خاطر همین موضوع کارتان در یک اداره یا بانک متوقف شود.

کپی کارت ملی، جای خودش را به استعلام می‌دهد؟

تصور کنید برای انجام یک کار بانکی یا اداری، به جای اینکه کارت ملی را تحویل دهید، تصویرش را بگیرید یا کپی آن را ارائه کنید تا دستگاه مربوطه هویت شما را به صورت برخط از ثبت‌احوال استعلام کند. این همان مسیری است که سازمان ثبت‌احوال می‌گوید نسل جدید کارت‌های ملی قرار است در آن حرکت کند. ژاله چیان می‌گوید هدف این است که «هویت معتبر فرد» مبنای ارائه خدمت باشد، نه تصویر کارت ملی یا کپی آن. به این ترتیب، اگر زیرساخت‌های لازم در دستگاه‌های مختلف فراهم شود، احراز هویت می‌تواند سریع‌تر و البته امن‌تر انجام شود.



کارت تغییر کند. مهدی ژاله چیان، معاون نوآوری و هوشمندسازی خدمات سازمان ثبت‌احوال می‌گوید همزمان کشور، درباره نسل جدید کارت ملی می‌گوید تغییر اصلی در فناوری کارت اتفاق خواهد افتاد؛ از هوش مصنوعی و احراز هویت بر خط گرفته تا شیوه استفاده از اطلاعات هویتی مردم.

را بگیرند، اما صف صدور و تحویل آنها هنوز ادامه دارد. حالا سازمان ثبت‌احوال می‌گوید همزمان با تعیین تکلیف کارت‌های معوق، برای نسل جدید کارت ملی هم برنامه‌ریزی کرده است؛ کارت‌هایی که قرار است از سال آینده به تولید انبوه برسند اما این بار قرار نیست فقط ظاهر

جامعه امروز

فاطمه عسگری نیا از نامه‌نگار

اگر کارت ملی هوشمندتان هنوز به دستتان نرسیده، تنها حدود ۶ میلیون نفر در کشور همچنان در انتظار دریافت کارشان هستند؛ کارهایی که قرار بود سال‌ها پیش جای کارت‌های قدیمی

رفع کمبودها در آستانه مهر

یک هفته مانده به شروع سال تحصیلی، همه دستگاه‌ها در حال همکاری برای شروع سال تحصیلی هستند تا دانش آموزان بتوانند در نخستین روز مهر بدون مشکل در کلاس‌های درس حاضر شوند.

■ **استخدام خدمتگزار** / سال پیش آزمون انتخاب خدمتگزار برای مدارس برگزار شد و اکنون علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در گردهمایی مدیران مدارس از استخدام خدمتگزاران مدارس خبر داده و گفته است که این پرونده پس از ۲۰ سال برای نخستین بار باز شد و وزارتخانه توانست ۲۰ هزار خدمتگزار استخدام کند.

■ **تعویق پرداخت قبوض** / برخی از مدارس بابت قبض‌های آب و برق و گاز بدهکار

هستند. در جلسه شورای آموزش و پرورش به دستور استاندار تهران مقرر شد هیچ گونه قطعی انشعابات مدارس در سطح استان در آغاز سال تحصیلی رخ ندهد و رسیدگی به این بدهی‌ها به آینده موکول شود.

■ **مهلت ثبت‌نام سرویس مدرسه** / مسعود کاظمی، مدیرعامل اتحادیه حمل‌ونقل مسافر شهری کشور از تمدید مهلت ثبت‌نام سرویس مدارس در سامانه «سپند» برای



گودال مدرسه میناب و مقابله با دروغ

حمله به مدرسه میناب را از هر سمت نگاه کنیم، سراسر غم است. حتی اکنون که یک ویدئوی چند ثانیه‌ای هفته‌های بعد از حمله را روایت می‌کنند، روزهایی که برای اثبات مظلومیت این کودکان و نظامی نبودن منطقه، بولدوزرها مشغول به کار

شدند. ویدئویی که یک فعال رسانه‌ای از ایجاد گودال زیر مدرسه میناب منتشر کرد، شرح این ماجرا از زبان پیرمردی اهل میناب است: «جانه‌ای که در مدرسه می‌بینید، جانه انفجاری نیست، بعد از اینکه آمریکایی‌ها مدرسه را زدند،

خیلی‌ها شبیه ایجاد کردند که زیر مدرسه تجهیزات نظامی بود، ما بیل مکانیکی آوردیم و همان زمان گفتیم، هر جاشما بگویند ما می‌کنیم، همانجا را بیل مکانیکی زدیم که همه متوجه بشوند. زیر مدرسه تجهیزات نظامی نبود.»

آتشی که گلستان شد

ماجرای گلریزان مردم در میدان امام خمینی تهران برای خرید موتورسیکلت یک پیک موتوری

گزارش

■ **رابعه تیموری** / **روزنامه‌نگار** / روز چهارشنبه هفته گذشته برای احسان بیدخوری روز خاص و عجیبی بود. در این روز موتورسیکلت احسان که وسیله کسب و کارش بود، بر اثر حادثه‌ای در آتش سوخت، اما در حالی که او فکر می‌کرد خاکستر نشین شده و عصای دستش را از دست داده، اتفاقی غیرمنتظره رخ داد و مردم با

گلریزان گرفتن در همان محل حادثه، کمک‌های کوچک و بزرگشان را روی هم گذاشتند تا او بتواند موتورسیکلت تازه‌ای بخرد و چرخ زندگی‌اش بپروفتد. تر از پیش پیش‌تر شد. انتشار ویدئوی این اتفاق در فضای مجازی باعث شد مهربانی و نوع‌دوستی مردم ایران بار دیگر مورد توجه کاربران این فضا قرار بگیرد و با دیدن شادی دوباره احسان حال‌شان خوب شود.

دست‌هایی که برای کمک بلند شد

احسان با همان حال ناخوشش هم وقتی صدای دامن ایراندوست را شنید که مردم را به کمک دعوت می‌کرد، کمی درش تسکین پیدا کرد: «در همان حال که برای موتورم گریه‌زاری می‌کردم، جوانی که بعداً فهمیدم اسمش آقادمون است، از من شماره کارت می‌خواست که مردم کمک‌هایشان را به آن واریز کنند.» احسان قدردان همدردی همکارانش و کارکنان بازار است که خیلی زود برای حل مشکل او با دامن همراه شدند: «همین که آن جوان شماره کارت‌م را خواند، همه دست‌به‌کار شدند تا برایم پول واریز کنند. کاسبان و چرخی‌ها و دیگر کسانی هم که من را می‌شناختند، به کمک آمدند و همانجا برایم گلریزان گرفتند.» انتشار تصاویر این گلریزان در فضای مجازی سبب می‌شود مردم گوشه‌کنار کشور هم از این اتفاق باخبر شوند و با واریز کمک‌های کوچک و بزرگشان به کار احسان، مبلغ جمع‌آوری‌شده در گلریزان افزایش دهند. نقطه ختم‌به‌خیرش ماجرا هم پای کار آمدن محسن چاوشی است که مبلغ لازم برای خرید موتورسیکلتی مناسب برای احسان بیدخوری فراهم می‌شود: «مبلغی که جمع‌آوری شده بود، برای خرید موتورسیکلتی مناسب کافی نبود و وقتی این خواننده مبلغ کسری را پرداخت کرد، من با کمک محسن چاوشی و مردم توانستم دیرتر یک موتور نو بخرم تا زندگی‌ام لنگ نماند.»

راهبندانی که پایانی تلخ داشت

آن روز احسان بیدخوری مثل همیشه صبح زود از خانه بیرون زد تا بعد از چندین ساعت بالا و پایین کردن خیابان‌های شهر رزق روزی خانوادهاش را جمع کند و به خانه برسد، اما در ترافیک و گرمای عصر چهارشنبه، ۱۸ شهریور، وقتی برای بازشدن راهبندان انتظار می‌کشید، آتش گرفتن موتورسیکلتش روز متفاوتی را برایش رقم زد. بیدخوری تعریف می‌کند: «من پیک موتوری هستم و با جابه‌جا کردن مسافر و بار در بازار روزی خانوادهم را درمی‌آورم. آن روز وقتی منتظر بودم تا مسیر باز شود و اتوبوس شرکت واحد که جلوی من بود حرکت کند، دیدم از زیر موتور آتش بلند شد. با دیدن آتش دنیا روی سرم خراب شد و سعی کردم با دستمالی که به همراه داشتم آن را خاموش کنم، اما اثری نداشت و مردم که می‌دیدند آتش به باک موتور رسیده، من را به زور از موتورم دور کردند تا آسیب نبینم.» رسیدن آتش‌نشانی و تلاش آنها هم برای خاموش کردن آتش به جایی نمی‌رسد: «جمع‌شدن مردم و ماشین‌ها ترافیک را بیشتر کرد و در نهایت آتش‌شان‌ها نتوانستند آتش را خاموش کنند. با ترکیدن باک بنزین من ماندم و موتور سوخته که وسیله تأمین رزق روزی خانوادهم بود.»

مکت

رفقا حساب کردند

در این اتفاق دسته‌به‌گوشی بودن و ویدئو گرفتن مردم فقط به گرفتن لایک، بازدید و کامنت در فضای مجازی ختم نشد و انتشار این ویدئوها در گروه‌ها و کانال‌های خبری مختلف باعث شد با کمک محسن چاوشی و سایر مردم ۷۰ میلیون تومانی که در گلریزان به دست رهگذاران جمع‌آوری شده بود، به مبلغ لازم برای خرید موتورسیکلت برسد. مرتضی قربانی، یکی از فعالان فضای مجازی است که از ظرفیت کمپین «رفیقت حساب کرد» برای جمع‌آوری کمک مردم استفاده کرده است. او این کمپین را برای روی هم گذاشتن کمک‌های کوچک و بزرگ و باز کردن گره از کار افراد گرفتار راه انداخته و می‌گوید: «بسیاری از اعضای کمپین از فعالان رسانه‌ای هستند و وقتی ویدئوی گلریزان میدان را در گروه مجازی کمپین گذاشتم، اعضای کمپین در وایرال شدن ویدئو و گوش‌به‌گوش چرخیدن این اتفاق نقش زیادی داشتند. بهترین اتفاق این چرخ‌هم مطلع شدن محسن چاوشی از کسری ۱۶۰ میلیون تومانی برای خرید موتورسیکلت بود که پیشقدم شد تا آن را بپردازد و بیدخوری زودتر بتواند موتورسیکلت نو تهیه کند.» قربانی درباره کمپین «رفیقت حساب کرد» می‌گوید: «این کمپین ۸ سال پیش برای تسویه حساب‌های دفتری بدهکاران کم‌بضاعت سوپرمارکت‌های گوشه‌کنار شهر راه افتاده، اما در مواردی که افرادی مانند آقا احسان به کمک مردم نیاز پیدا می‌کنند، از ظرفیت کمپین برای حل مشکل آنها استفاده می‌کنیم.»



مدیریت بحران به سبک آقا ایراندوست

اتفاق تلخی که برای بیدخوری رخ داده با موقعیت سنجی و تیزهوشی «دامون ایراندوست» به فرجام و عاقبتی خوش رسیده است. آن روز دامن در مسیر رسیدن به محل کارش شاهد این اتفاق بوده و با گرفتن گلریزان مردم را برای کمک به احسان بیدخوری بسیج کرده است. دامن تعریف می‌کند: «داشتیم از آنجا رد می‌شدم که متوجه آتش‌سوزی شدم. صحنه بسیار تلخی بود و درحالی که احسان گلریزان و ناامید قطعه‌های موتور سوخته‌اش را از کنار خیابان جمع می‌کرد، مردم در حال فیلم گرفتن بودند. با دیدن حال روز احسان و متفعل بودن مردم حس عجیبی پیدا کردم و به دنبال راهی می‌گشتم که به او کمک کنم. در یک لحظه به ذهنم رسید برای کمک به او گلریزان بر پا کنم تا مقداری از خسارتش جبران شود.» پیشنهاد او برای برگزاری گلریزان کافی بود تا همه دست‌به‌چیب شوند و صحنه‌های فشنگی خلق کنند که یادآوری آنها چشم‌های دامن را به آتش می‌نشانند: «آن روز ۲، ۴ ساعت روی سکوی دور میدان بودم و با کمک مردم ۲۷ میلیون پول جمع شد که در میان آنها اسکناس درشت تا اسکناس‌های ده‌هزار تومانی وجود داشت. هر کس هر چه می‌توانست کمک می‌کرد. باریبان بازار لاله‌زار که از صبح روی کولشان بارهای سنگین حمل کرده بودند، دستمزدشان را توی نایلون می‌ریختند، پیروزها و پیرمردهایی که از آنجا رد می‌شدند هر چه در توان داشتند کمک می‌کردند و حتی بچه‌هایی که شاهد ماجرا بودند، با پول توجیبی‌های مختصرشان در گلریزان شرکت می‌کردند.» شاید پیام همسر احسان بیدخوری بهترین یاداش مردمی باشد که این ماجرای زیبا را رقم زدند. او که سال‌ها پیش همراهِ همسرش از سبزوآر به تهران آمده و در زندگی مشترکش شاهد روزهای خوش و ناخوش بسیاری بوده، می‌گوید: «هر روز صبح که همسر من موتور را روشن می‌کند تا برای کار بیرون برود، من از خدا می‌خواهم مشکلات همه کسانی را که به ما کمک کردند، طوری حل کند که بودن خدا در کنار خود را احساس کنند.»